

قایل اند که جمله مرتب باشد از وجوب الوجود از عالم الوجود محتاج با
 خارج از آن نسبت لا جرم متقی در هر مرتبات حضرت حق جل
 شانه از این مقوله خواهد بود زیرا که در هر قایل است بوجوب
 و باین که عالم بوی محتاج و ذرات و خود است از آن و از انصاف
 خصوصیات آن حاصل است انکار او مثل انکار دیگران و از آن
 که خارج باشد از جمله مرتب از وجوب و ممکن خواهد بود و اگر در لفظ
 منکر و جیب باشد بحسب حقیقت منکر نیستند بلکه مجموع عالم درستی
 از غیر میدانند و آنرا خود بخود از آن جهت میکنند که در خارج از
 جمله مرتب از مطلق و معقده محتاج الیه آن نمیتوانند نه چنانچه
 بیکس قایل نیست که جمله مرتب از وجوب و ممکن باز محتاج بوی
 در خارج است و قیاس این مقوله شوم آنها هیچ آفریده پوشیده نیست
 و چون بطلان قول وجودیه بر توطئه هر کشت حاله شک نباید
 کرد که در هر دو متصور وجودیه کرده و احصا نه فرق نیست میان
 این هر دو الایمان که در هر دو از متصور وجودیه نیز قیامت فهمند
 و اینها آن قدر قیامت فهم نیستند زیرا که در هر دو میدانند که این
 مطلق اعتباری که استقلال در وجود ندارد بلکه از وجود خارج
 عام نیست چگونه وجوب الوجود و مدار کل و موصوفت بجمع صفات

کماله

کماله خواهد بود و متصور وجودیه از این معنی غافلند از آنجا که
 که عیب خود را پوشند و این اقرب است بجهت این که در حق
 معدوم میکنند و فعل را با او مخالفی نیست میکنند و جامع
 احتیاج عالم را بسوی حضرت حق جل شانه زیاده بر احتیاج
 که در ذات وجودات خاصه را بسوی وجود مطلق نمیدانند
 نمیدانند از این جهت است که احتیاج دایره قایل اند و میکنند
 عالم با حضرت حق نسبت و حجت است که هر کدام بیکدیگر
 استاده باشد



Copyright © King Fahd University